

الگوی مفهومی مدیریت کلاس درس و تدریس اثربخش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

کد مقاله: ۵۵۹۷۱

ناصر کمالپور خوب^{۱*}، کبری کمالپور خوب^۲

چکیده

این جستار یک مطالعه توصیفی-کتابخانه‌ای است که به واکاوی سبک‌های مدیریت کلاس درس و تناسب آن‌ها با الگوهای تدریس پرداخت. هدف آن، شناسایی سبک‌های مختلف مدیریتی و انتخاب بهترین سبک تدریس توسط معلمان برای ارائه مطالب و اعمال نظم و انضباط در کلاس درس بکار می‌گیرد، تا بتواند در سه حوزه انتخاب سبک مدیریت مناسب، شناسایی عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار بر جو کلاس و عوامل فرا کلاسی اعمال مدیریت کند. اطلاعات مورد نیاز از طریق یادداشت‌برداری و فیش‌برداری گردآوری شد، که در آن از تحقیقات انجام‌شده مرتبط با مدیریت کلاس درس و مبانی نظری اندیشمندان و حوزه‌های علوم آموزشی و تربیتی استفاده شده است. یافته‌ها: ابتدا ابعاد مرتبط با مدیریت کلاس درس در سه حوزه مدیریت افراد (دانش‌آموزان)، مدیریت فضا (مدرسه) و مدیریت خود و توانایی معلم، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس با مفهوم‌سازی و پیکربندی مبانی نظری پیرامون سبک‌های مختلف مدیریت کلاس درس (مستبدانه، اقتدارگرایانه، آسان‌گیرانه، آزادمنشانه) و تطبیق آن‌ها با الگوهای تدریس مکانیستی و ارگانیستی مدل تلفیقی از آن‌ها ارائه شد که بر مبنای آن با در نظر گرفتن ابعاد مختلف مورد بررسی در شیوه تدریس، اثربخش‌ترین شیوه تدریس، سبک اقتدارگرایانه است که در آن ضمن داشتن ابهت، اقتدار و مدیریت از انعطاف و تعامل لازم و به‌موقع نیز برخوردار است.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس، تدریس اثربخش، سبک‌های مدیریتی، الگوهای تدریس

۱- دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

kamalpour76@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، ایران.

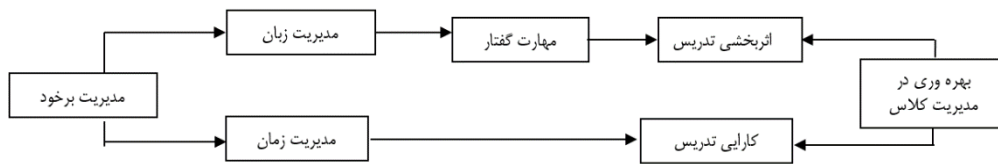
بشر در دوره‌های مختلف تاریخی شیوه‌هایی را برای فراگیری و انتقال آموزش‌های لازم برای رفع نیازها و سازگار کردن خود با محیط و جامعه طراحی و به‌کاربرده است. امروزه شیوه نوین آموزش به همراه فراگیر بودن آن در ابعاد موضوعی و در اجتماعات مختلف به علم و دانش چنان اصلاتی بخشیده است که تمامی پیشرفت‌ها، اکتشافات زمینی و فرازمینی، خلق سازمان‌ها و پدیده‌های اجتماعی سازمان‌یافته را نتیجه علم و دانش امروزی بشر می‌دانند. آموزش و پرورش رسمی به‌عنوان مؤثرترین و قابل‌اعتناترین مرجع آموزشی یاددهی و تربیت نیروهای لازم در تمامی بخش‌های ذکرشده جایگاه ویژه‌ای دارد. این نهاد ضمن حفظ چهارچوب و رسالت اصلی خود که همانا تربیت و آموزش نیروهای موردنیاز جامعه با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی مناسب توانسته است متناسب با این تغییر و تحولات خود را در بروز ساخته و مضاف همپای نیازهای جدید، پرورش‌دهندگانی چندبعدی و حرفه‌ای در معنای عام آن تحویل دهد. در میان اضلاع چندگانه آموزش، معلم به‌عنوان تکمیل‌کننده چرخه یادگیری-یاددهی در جوامع مختلف با القاب مختلف خطاب می‌شود که فصل مشترک همه آن‌ها نشان از درجه و اهمیت آن در بین بشر امروزی دارد. در ایران جملات پربار و سنگینی مانند "معلم شغل انبیاست" معلم کارخانه انسان‌سازی است "درس معلم ار بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را" نشان از توجه فراتر از شغل به حرفه‌ی معلمی است. حداقل در حوزه نظر و ایده آلیستی جایگاه ویژه‌ای برای معلمان به‌عنوان راهبر آموزش و پرورش مهم‌ترین مخلوق یعنی انسان متصور است. از این رو چنین سوژه‌ای با چنین جایگاه و ارزش، نیازمند فراگیری چند جانبه‌گرایی در ابعاد توانایی، مهارتی حرفه‌ای است. شخصیت، روحیه و توانایی مدیریت کردن پرورش‌دهندگان می‌تواند نقش بسزایی در بهبود کار خود آن‌ها و فراگیران ایفا کند. مدیریت به طور کلی و در بخش آموزش یعنی طراحی و سازماندهی و رهبری و نظارت و کنترل و ارزشیابی است به عبارتی مدیریت فعالیت علمی است که در یک موقعیت سازمان‌یافته برای هماهنگی و هدایت امور در جهت هدف‌های معینی صورت گیرد (علاقه مند، ۱۳۷۸: ۱۷). مدیر کسی است که بتواند بر اساس دانش و یافته‌های علمی توانایی هنری، مهارت‌های قلبی و اخلاقی بر مجموعه از شرایط گروه‌ها و پدیده‌های اعمال نظارت کنترل هدایت و سازماندهی کند (همان). مدیریت بخش آموزشی تفاوت محسوس و آشکاری با سایر مدیریت‌ها دارد. از آنجایی که در تمامی بخش‌های آموزشی اهداف در جهت دستیابی به بهترین شیوه‌های یاددهی به فراگیران برای دستیابی به بهترین نتیجه است. توجه و تجهیز مهم‌ترین رکن اجرایی این مکان در کلاس درس از بین معلم، دانش آموز، فضا و عوامل بیرونی، معلم بالاترین جایگاه را دارد. چراکه تمامی نقشه‌ها و امکانات در تسهیل و آماده‌سازی تحت تأثیر توانایی‌ها و مهارت‌های این کنشگر طراحی می‌شود؛ تا بتواند آموخته‌ها و مهارت‌های خود را به بهترین شکل انتقال دهد. از این رو مدیریت کلاس درس و رهبری آن مقوله چندبعدی، حساس و سرنوشت‌ساز است. از این رو این کنشگر به لحاظ اصول و معیارهای انسانی باید از ویژگی‌های شخصیتی چندبانه‌گرایانه، حرفه‌ای و جامع برخوردار باشد. مدیریت کلاس درس همواره تحت تأثیر سه مقوله وضعیت انضباطی دانش آموز (مدیریت افراد، توانایی معلم (مدیریت رفتار) و فضای آموزشی (مدیریت آموزش) است. هر کدام از این ساحت‌ها با شاخص‌ها و معیارهایی مشخص می‌گردد که در این جستار تلاش می‌شود برای شناسایی ابعاد این حوزه‌ها و معرفی بهترین شیوه اداره کلاس درس برای اثر بخشی بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

مدرسه اصلی‌ترین نهادی است که وظیفه تربیت و آماده‌سازی نیروهای موردنیاز هر جامعه را برعهده دارد. از این رو شناخت ویژگی‌ها، الگوها و بخش‌های مرتبط و تأثیرگذار بر عنصر آموزش دهنده (معلم) که در این مبحث ذیل مفهوم مدیریت کلاس درس عملیاتی می‌شود، از مهم‌ترین مسائل مهم آموزشی است. نیروی اداره کلاس درس به واقع هماهنگ کننده تمامی شرایط درون متنی و جانبی در کلاس برای بهره‌گیری تمامی عناصر موجود در کلاس از مطالب آموزشی است تا هر چه بیشتر موجب تسهیل انتقال فرایند یاددهی-یادگیری شود. واکاوی مفهوم مدیریت کلاس درس ناخودآگاه به مفهوم انضباطی دانش آموزان گره می‌خورد. البته مدیریت کلاس دایره‌ی گسترده‌تری از مدیریت زمان، مدیریت مطالب درسی، مدیریت سنجش و ارزشیابی را هم در بر می‌گیرد. ملموس‌ترین شکل آن برای بهبود تعامل فرایند یاددهی-یادگیری، ایجاد جوی آرام، خود کنترل و پذیرایی یادگیری در گرو رعایت و عملیاتی کردن نظم و انضباط است. بعد از آماده شدن شرایط در کلاس، مدیر کلاس متناسب با محیط، فراگیر و مطالب آموزشی سبک مدیریتی مناسب را بکار می‌گیرد. اگر این چرخه به درستی اجرا شود، می‌توان امید داشت که آموزش مفید و اثربخش خواهد بود. لذا شناخت معلم در چهار بخش شناخت از خود، شناخت از دانش آموز، شناخت از محیط و فضا و شناخت از مطالب آموزشی از یک سو و انتخاب سبک مدیریت کلاس درس متناسب با این ظرفیت‌ها برای اثر بخشی تدریس ضرورتی است که در این نوشتار به آن پرداخته شد. شناخت الگوی مناسب مدیریت کلاس درس می‌تواند برای معلمان نوعی آگاهی نسبت به ظرفیت‌های ذکرشده، سبک مدیریتی قابل اجرا و انتخاب روش تدریس متناسب برای آن‌ها به همراه داشته باشد؛ بنابراین تلاش می‌شود ضمن شناسایی ابعاد مدیریت‌پذیر فرایند یاددهی-یادگیری، سبک‌های مدیریتی کلاس درس واکاوی و الگویی مناسب برای اثربخش بخش بودن بهتر این فرایند ارائه شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به چندبعدی بودن مقوله مدیریت کلاس درس، معلم نیز می‌بایست حداقل مهارت‌های لازم را در ابعاد گوناگون رفتاری، زبانی، علمی و اخلاقی داشته باشد. صاحب‌نظران از دستیابی به این مهارت‌ها با عنوان اخلاق حرفه‌ای یا توسعه حرفه‌ای

معلم در مدرسه نام می‌برند. چراکه از نظر ایشان و پژوهشگران حوزه تربیت و آموزش، معلم بیش از اینکه یک شغل باشد یک حرفه است که مبتنی بر مؤلفه‌های دانش تخصصی، تجربه شغلی، مهارت و توانایی، نگرش متفاوت (ژرفنگری، دوراندیشی و نگرش سیستمی و جامع نگرشی و نگرش انتقادی) تعهد و مرام اخلاقی است (قراملکی، ۱۳۹۲: ۳۴). از نظر ایشان فضای آموزشی و مدرسه از نوع رابطه برون شخصی و ناظر به ارتباط شخص با دیگر انسانها است (همان، ۶۴). پدیده یاددهی-یادگیری در ذات خود ضمن برخوردار بودن عامل یاددهنده از شرایط ذکر شده، فعالیتی آموزشی است که معطوف به یادگیری و عملکرد و ایجاد تغییر می‌باشد. این نوع آموزش مفید و اثربخش است. آنچه در کلاس درس با عنوان مدیریت از آن یاد می‌شود آگاهی و شناخت معلم به سه نوع مدیریت زبانی، زمانی و آموزشی است. از آنجایی که مدرسه به مثابه فضای اخلاقی مفهوم سازی می‌شود؛ نخستین مرحله شکل-گیری ذهنیت دانش اولیه دانش آموز از معلم از مهارت‌ها و الگوهای کلامی و گفتاری که معلم به کار می‌برد شروع می‌شود. چرا که مهارت‌های گفتاری و نوع زبان بکار برده شده در جایگاه مناسب و متناسب در برگزیده تسلط بر اطلاعات، داده‌ها، انگاره‌ها و الگوها و به طور کلی اخلاق حرفه‌ای در کلاس درس می‌باشد که ضعف و ناتوانی در آن به تعبیر قرآن "سدید" است و سوء مدیریت آن در کلاس درس به تهدید و بی‌انگیزگی دانش آموزان در فراگیری‌شان می‌انجامد. "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله قولوا قولاً سدیداً" (برگرفته از قرآن به نقل از قراملکی، ۱۳۹۵: ۶۵). بُعد دیگر مدیریت معلمی در حوزه زمان است. آگاهی به اینکه ظرفیت کلاس‌ها و توانایی یادگیری دانش آموز، چه میزان از حجم مطالب را پذیراست و تسلط بر بخش‌های مختلف زمان در نظر گرفته شده برای ارائه مطالب یک جلسه درسی و اینکه تمام اهداف آن مطالب بر اساس الگوی طرح درس از بررسی، سنجش، ارائه و نتیجه‌گیری ضرورتی است که نشان می‌دهد معلم علاوه بر مدیریت و مهارت در مطالب، کلاس درس و دانش آموز، بر خود نیز مدیریت دارد.



شکل ۱- برگرفته از اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، قراملکی: ۱۳۹۵

در مطالعات تجربی جعفری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه شایستگی و خودکارآمدی مدیریت کلاس درس و نگرش مدیریت کلاس به این نتیجه رسیدند که همبستگی معناداری بین شایستگی، خودکارآمدی، مدیریت کلاس، نگرش مدیریت کلاس و عوامل دموگرافیک مانند (تجربه تدریس و مرتبه علمی) وجود دارد. براساس الگوی معادله ساختاری در این پژوهش میزان پیش‌بینی نگرش مدیریت کلاس درس از طریق شایستگی ۵۶ درصد می‌باشد. پیری و پورفرهادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه تفکر و سبک‌های تدریس با مدیریت کلاس به این نتیجه رسیدند که در بین انواع سبک‌های تدریس، سبک تدریس خبره بطور معناداری می‌تواند سبک مدیریت کلاس را پیش‌بینی کند. همچنین در این پژوهش مشخص شد سبک تدریس می‌تواند به میزان ۱۰ درصد سبک مدیریت کلاس درس را پیش‌بینی کند. مهدی نژاد (۱۳۸۹) در پژوهش با عنوان دیدگاه دبیران متوسطه در خصوص بی‌انضباطی دانش آموزان و راهکارهای بهبود مدیریت کلاس به این نتیجه رسید که ۱/۶۷ درصد از دبیران بیش از آنچه که بایسته، برای اداره و کنترل کلاس وقت صرف می‌کنند. آن‌ها عنوان کردند که بی‌انضباطی دانش آموزان بر حسب میزان یا تکرار، شامل صحبت کردن، شوخی کردن با دیگران، غرولند کردن نسبت به تکالیف، سخت‌گیری و ایجاد صداهای غیر کلامی عمدی، بوده است.

بخشایش (۱۳۹۱) مدیریت معلمان مدارس در شهر یزد به این نتیجه رسید که سبک‌های مدیریت آموزش از بین پنج ویژگی شخصیتی تنها با ویژگی با وجدان بودن رابطه معناداری داشت کمتر از (۰/۵). همچنین رابطه معنادار بین سبک مدیریت و رفتار با ویژگی روان آزردهی، سازگاری و وظیفه‌شناسی در سطح کمتر از (۰/۵) وجود داشت. نتایج کلی آنان نشان داد که بیشتر معلمان مورد بررسی دارای سبک مدیریت تعاملی می‌باشند که در آن معلمان تکاملی و شیوه‌ی متعادل بین مداخله و عدم مداخله را دارند و در دادن اختیار به دانش آموزان در انتخاب فایل‌های آموزشی و یادگیری حد تعادل را رعایت کنند در این تحقیق ویژگی‌های شخصیتی همچون روان آزردهی، برونگزایی، گشودگی، سازگاری و وظیفه‌شناسی با سبک مدیریتی (مدیریت آموزش، مدیریت رفتار، مدیریت افراد) مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۱- عناصر سه‌گانه مدیریت کلاس

تدریس اثربخش نیازمند در اختیار داشتن و تعامل سه عنصر اصلی و مستقیم فضای آموزشی، عنصر یادگیرنده (دانش‌آموز) و عنصر یاددهنده (معلم) است. معلم باید بتواند هر سه عنصر را تحت کنترل درآورده و با استفاده از ظرفیتهای آن‌ها بهترین تدریس ممکن را ارائه دهد. هر کدام از این عناصر با رویکرد مدیریتی بررسی می‌شود.

الف: فضای آموزشی (مدیریت فضا و آموزش): بدون تردید برای دانش‌آموزانی که در سن احساسی و زیبای شناختی ظاهری به سر می‌برند، اولین نگاه به فضای درونی و بیرونی کلاس درس و محوطه مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد انگیزه و تقویت

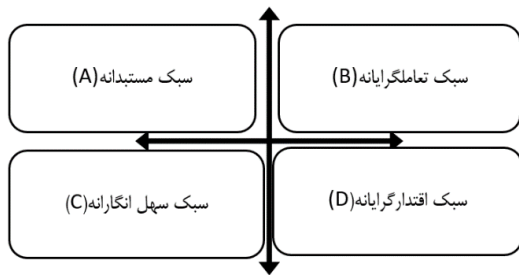
احساس علاقه به مدرسه و کلاس ایجاد خواهد کرد. در صورت بروز چنین حسی می‌تواند به تقویت یادگیری احساس تعلق به مدرسه، کلاس و معلم منجر شود. آنگونه که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش فضای مناسب برای یادگیری و رشد کودک را مدرسه صالح معرفی می‌کند (کمپورخوب و همکاران ۱۳۹۹). از طرفی عدم تضاد و تناقض بین فضای داخل کلاس با مدیریت معلم، فضای مدرسه با مدیریت مدیر و معاونین مدرسه و همسویی و سازگاری بین این دو و برنامه‌های آموزشی متناسب با ظرفیت دانش آموز می‌تواند دانش آموزان را متقاعد کند که تمامی عوامل همراه برای یادگیری ایشان انجام می‌گیرد که به لحاظ روانی حس مسئولیت پذیری را در او تقویت می‌کند. فضایی که در کنار عوامل دیگری چون معلم، خانواده و رسانه، اگر همسو و در خدمت آموزش و تربیت دانش آموز باشد، می‌تواند به تربیت فرد متعالی در ابعاد اخلاقی و مهارتی در آینده شود. لذا مدیریت فضا آموزشی به در واقع مفهومی دیگر از یک محیط فیزیکی دارای کارکرد معماری و... خارج شده و بیشتر کارکرد اجتماعی فرهنگی به خود می‌گیرد (کمپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۶) بر این نکته تاکید شد که مطلوب یک محیطی که به طور بالقوه و بالفعل در یاددهی معلمان اثرگذار بوده است؛ زمینه رشد حرفه‌ای معلم را فراهم می‌آورد و بر یادگیری دانش آموزان اثر می‌گذارد و شکل گیری فضای گرم و صمیمی سبب تسهیل روابط مثبت و تعامل سازنده و ایجاد همبستگی گروهی می‌شود (قنبری و یاسینی، ۱۳۹۶).

ب: *دانش آموز (مدیریت افراد): فضای کلاس به شدت تحت تاثیر چگونگی به هنجار بودن یا نابهنجار بودن دانش آموزان کلاس می‌باشد که در آن معلمان بیشترین دردها، دغدغه‌ها و زحمات را نسبت به این حوزه دارند. به عبارتی مفید بودن روش-های مدیریت کلاس در بخش مدیریت افراد، تشخیص و شناخت عوامل موثر بهنجار بودن دانش آموزان است. در خصوص تسلط معلم بر فضای کلاس دانش آموزان و شناسایی کسانی که مخل نظم کلاس درس می‌باشند، می‌تواند کمک زیادی به مدیریت کلاس و اثربخشی تدریس کند. کاترین (۲۰۰۵) می‌گوید معلمانی که شایستگی مدیریت را دارند می‌توانند به تشخیص عوامل مختلف مدیریتی تدریس دست یافته و فضای درس را برای فهم و یادگیری دانش آموزان مهیا کنند. بر اساس دیدگاه روانشناسان تربیتی و کارشناس تعلیم و تربیت مهمترین مسئله مدیریت کلاس و یادگیری دانش آموزان، تشخیص به‌موقع و درست عوامل نابهنجار و ناسازگار با فضای کلاس، در عین حفظ فضای مسالمت‌آمیز و تعاملی کلاس درس می‌باشد (رحمانی، ۱۳۹۱). معلم موفق در مدیریت کلاس درس معلمی است که در عین تسلط بر فضای افراد، آموزش و برخورد از شخصیت کاریزماتیک، لازم است از قدرت تشخیص کافی برای شناسایی روحیات فردی دانش آموزان و پیدا کردن دانش آموزان مشکل آفرین، ناسازگار و بی‌انضباط در کلاس درس باشد، که خود نیازمند توانایی معلم در به کارگیری سبک مدیریتی مناسب در کلاس درس با اتخاذ تصمیم مناسب با دانش آموزان خاطی و اعمال تنبیهات و عکس‌العمل‌های قابل بازخورد مثبت و اثرگذار و متناسب با نوع تخلف می‌باشد. لزارچ به عنوان یک معلم دوره پیش دبستانی عنوان می‌کند که مشکلات در مدیریت کلاس عمدتاً ناشی از سه عامل ۱- از محیط ۲- از معلم ۳- از دانش آموز است (سانتراک، ۱۳۸۷: ۵۱۶).*

ج: *خود مدیریتی معلم و توانایی او: معلمان به‌عنوان راهبر، تأثیرگذار، سازنده و برنامه‌ریز، برای اثرگذاری خود نیازمند برخورداری از مهارت‌ها در بخش‌های شخصیتی مانند خلق و خوی روحی وضعیت جسمانی؛ مهارت‌های رفتاری حرفه‌ای و توانایی علمی است. در بخش ویژگی‌های شخصیتی نخستین بازخورد شخصیت معلم وضعیت ظاهری آراسته، چهره‌ی شاداب، مهربانانه توأم با جدیت و اقتدار است که در ذهنیت دانش آموز شکل می‌گیرد. در بخش رفتار حرفه‌ای همانگونه که ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۶) در تعریف مدیریت کلاس می‌گویند مدیریت کلاس یعنی تمامی تلاش‌های معلم برای هدایت و رهبری فعالیت‌های کلاس درس شامل تعاملات گروهی و جمعی رفتار شاگردان و یادگیری و آموزش است (سیف، ۱۳۸۷: ۴۸۰). فرینگ عنوان می‌کند که تصمیمات و فعالیت‌های معلمان در کلاس درس بر پایه باورها، اعتقادات و ارزش‌های ذهنی آنهاست (جرمین ۲۰۰۲). در مورد توانایی علمی همان گونه که در قبل عنوان شد، مدیریت زمان توسط معلم نقش بسیار مهمی در یادگیری دانش آموزان دارد. معلم باید تسلط کافی بر مطالب علمی و مباحث درسی داشته باشد تا بتواند میان زمان اختصاص یافته به کلاس و ارائه مطالب و ارزشیابی از کلاس درس و برقرار کردن تناسب میان اجرای این حوزه‌ها و مدیریت آن تلاش کند. چنین معلمانی با این مهارت‌ها با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای مشارکت دانش آموزان در تجربه‌های یادگیری مانند بحث کردن، شیوه‌های یادگیری انتقادی و فعالیت‌های گروهی ایفای نقش می‌کنند که در نهایت شهروندانی بهنجار، مسئولیت‌پذیر، آشنا به الگوهای مدیریتی و فعال تربیت کند (کمپورخوب، ۱۳۹۹: ۱۶).*

۲-۲- سبک‌های مدیریتی

معلم با ورود به کلاس درس نیازمند تجهیز خود به انواع آمادگی‌های ذهنی و روحی، سلامت جسمانی و آمادگی علمی برای ارائه مطالب و طراحی ساختاری منسجم از عناصر فضا، مطلب، افراد و زمان است که بتواند در ابعاد گفتاری و رفتاری حداکثر تأثیرگذاری را داشته باشد. بوریچ و تومباری (۱۹۹۵) و یانگ (۱۹۹۰) سبک‌های مدیریت معلمان در کلاس را بر اساس دو مقوله عاطفی-دلسوزی و سختگیری-کنترل به چهار دسته تقسیم کردند. سبک قدرنگرا (مستبدانه) سبک قانون گرا (مقتدرانه) سبک تعامل گرایانه (آزاد اندیشانه) و سبک آسان گیرانه (بی تفاوت) (دولیتل، ۲۰۰۳).



این تقسیم بندی از سبک‌های معلمان در کلاس درس ریشه در دیدگاه بامریند و نظریه سبک فرزند پروری او دارد (baumrind، ۱۹۳۲) که شباهت زیادی به الگوی نظری ولفگانگ و کیلگمن در تقسیم‌بندی سه سبک مدیریتی مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر دارد. در ادامه به محاسن ویژگی‌های هر کدام از این سبک‌ها می‌پردازیم:

شکل ۲- منبع سبک‌های مدیریتی کلاس بوریچ و تومباری (۱۹۹۵) به نقل از پیری و پورهادی (۱۳۹۷)

سبک مستبدانه (A): براساس این دیدگاه، عده‌ی معلمانی که سبک مستبدانه را انتخاب می‌کنند، از الگوی کلاس معلم محور پیروی کرده و معمولاً کلاس را خشک و غیرقابل انعطاف پذیر اداره می‌کنند. شیوه کار چنینی معلمانی تکلیف محور و خشن می‌باشد که معمولاً پرسش و پاسخ در کلاس به حداقل می‌رسد. این سبک عمدتاً در میان نظریات کلاسیک تعلیم و تربیت مانند دیدگاه جامعه شناختی والر (۱۹۳۲) مطرح است که بر تقویت اعمال کامل قوانین مدرسه برای حفظ نظم در کلاس توسط معلم تاکید دارد. از نظر او کلاس درس یک میدان جنگی است که معلم همیشه برای کنترل آن بایستی بجنگد.

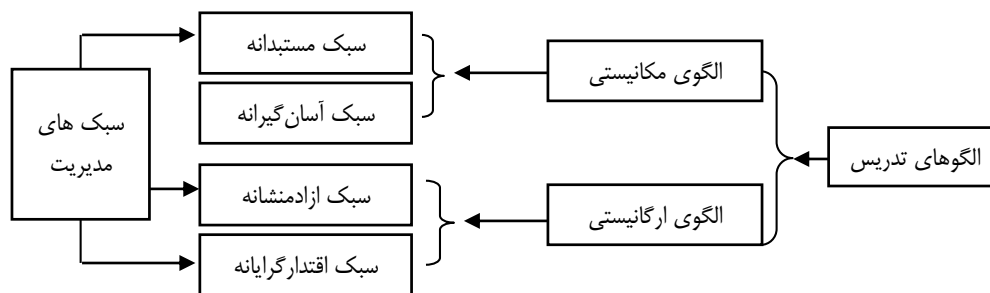
سبک تعامل گرایانه (آزادمنشانه B): در این سبک معلم از ویژگی‌هایی چون خیلی صمیمی رفتار دوستانه بیش از اندازه با دانش آموزان و به اصطلاح خیلی خودمانی می‌شود و حداقل تفاوت بین معلم و دانش آموز دیده می‌شود. دانش آموز آزادی کامل دارد از شوخی کردن، اظهار نظر کردن در هر زمینه‌ای و حتی حضور در کلاس درس و معمولاً تذکرات توسط معلم عمدتاً غیرمستقیم غیرکلامی است که با رویکرد رفاقتی و صمیمانه بین طرفین اجرا می‌شود در این رویکرد نظرسنجی تا حدود زیادی از حد معمول فراتر رفته دانش‌آموز اعمال نفوذ بسیار زیادی در اداره کلاس و مطالب درس و تدریس دارد. معلم با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی خود سبک یا سبک‌های مدیریتی را در کلاس انتخاب می‌کند و متناسب با آن سبک روش ارائه مطالب مناسب را بر مبنای الگوهای تدریس مرتبط برمی‌گزیند.

سبک سهل انگارانه (C): در این سبک همانند سبک قبل معلم آسان‌گیر و دانش‌آموز دارای اختیار است، اما بر خلاف سبک قبلی که آزادی وجود داشت و به اصطلاح معلم خونگرم و دلشاد بود. در این سبک روحیه سرد و زمخت داشته که هم‌کلاس را رها کرده و هم هیچ گونه تعامل و رابطه دوستی بین معلم و دانش آموز شکل نمی‌گیرد. از مهمترین ویژگی‌های این سبک ناهنجاری‌ها و شیوه‌های اعمالی برای مدیریت عمدتاً به تعویق می‌افتد.

سبک اقتدارگرایانه (قانونگرایانه D): در این سبک طرفین یاددهنده-یادگیرنده با حفظ فاصله خود نسبت به جایگاه دیگری از حقوق طرف مقابل آگاه بوده و تلاش می‌کنند به این حریم احترام بگذارند. چنین معلمانی دارای روحیه ای شاد و دلسوز به همراه منشی مقتدر، جدی و کاریزماتیک که توانایی تغییر حالات رفتاری گفتاری و آموزشی در حالت‌های مختلف از خندیدن، شوخی کردن، چهره عوض کردن و خارج کردن کلاس درس از حالت یکنواختی است. در این سبک چون قوانین عمدتاً با پذیرش طرفین طراحی و تهیه می‌شود و انگیزه پذیرش و رعایت آن‌ها در بین شاگردان بیشتر دیده می‌شود و معمولاً فعالیت‌های دانش‌آموزان با تشویق‌های معلم همراه است. در بخش روحی و روانی این سبک عمدتاً روابط گرم و صمیمی همراه با پذیرش احساس مسئولیت است و تشویق و تنبیه در جاهای موردنیاز متناسب با فعالیت‌های فراگیر اعمال می‌شود (مصرآبادی، ۱۳۹۳).

۲-۳- الگوهای تدریس

الگوهای تدریس خود به طور کلی به دو الگوی مکانیستی و ارگانیستی تقسیم می‌شوند (شعبانی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). الگوی مکانیکی قدیمی، خشک و معلم محور می‌باشد. در صورتی که الگوی ارگانیستی شاگرد محور بوده و بر روش‌های نوین تدریس که بیشتر بر خلاقیت شاگردها توجه دارد تاکید می‌کند. با توجه به ویژگی‌های مدل ارگانیستی همخوانی و سازگاری نظری و عملیاتی نزدیکی با سبک اقتدارگرایانه دارد. در ذیل این الگوها روشهای تدریس متفاوتی از سخنرانی، روش سقراطی تا روش‌های نوینی چون بحث گروهی، حل مسئله، ایفای نقش، بارش مغزی و بدیعه پردازی و ... قرار می‌گیرند که معمولاً معلمان برای اداره بهتر کلاس و ارایه بهتر مطالب در کلاس درس امروزی تلاش می‌کنند دو یا چند روش از این فنون را با هم تلفیق کرده و با رویکرد تلفیق گرایانه‌ای کلاس و مطالب درس را ارائه دهد.



شکل ۳- رویکرد تلفیقی الگوها و سبک‌های تدریس: منبع مبانی نظری و یافته‌های تحلیلی مقاله

۳- بحث و نتیجه گیری

برای دستیابی به اهداف غایی، کلی، رفتاری، آموزشی و تربیت شهروند در کشورهای مختلف از ابزارها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ اما فصل مشترک همه این شیوه‌ها تقویت حس مسئولیت، مشارکت و فراهم سازی شرایط برای بروز خلاقیت‌های دانش آموزان در مدرسه به طور مستقیم تحت تاثیر نیروهای آموزش دهنده و مدیریت کلاس درس آن‌ها قرار دارد. به دلیل موقعیت سنی و عاطفی که دانش آموز دارد امکان پاسخگویی به هر نوع مطالب، هر شیوه تدریس و هر نوع رفتاری نیست. از این رو حرفه معلمی و بخصوص مدیریت کلاس درس دارای پیچیدگی‌های خاص، ناگهانی و منحصر به فرد است. علت این پیچیدگی‌ها ناشی از چند جنبه گرایی (سوژه و ابژه) تداخل زمانی (وقوع چند پدیده به طور همزمان) و تأخر فکری (سبقت گرفتن وقوع رویدادها از تفکر) می‌باشد؛ اما غالب معلمان همانگونه که در این مقاله گفته شد تلاش می‌کنند با تفکیک سه حوزه‌ی مدیریت فضا (مدرسه)، مدیریت خود (معلم) و مدیریت افراد (دانش‌آموزان) در هنگام اجرا بهترین شیوه مدیریتی را اعمال می‌کنند. اگر معلمی نتواند به چنین قدرت تفکیک پذیری و کنترل کلاس ناتوان باشد، فضای کلاس به هرج و مرج کشیده می‌شود. قطعاً نمی‌توان در این فضا انتظار تدریس اثربخش داشت. از این رو معلمان زمانی می‌توانند به اثربخشی تدریس‌شان امیدوار باشند که در هر سه حوزه (علمی، فنی و رفتاری) مهارت و توانایی لازم را داشته باشند. چیزی که امروز از آن با عنوان توسعه‌ی حرفه‌ای یاد می‌شود. همانگونه که در مبانی نظری مطالعه اشاره شد، مدیریت کلاس درس به شدت تحت تاثیر عوامل و ویژگی‌های شخصیتی و توانایی علمی معلم و نحوه ارائه مطالب (سبک‌ها، روش، الگوها و فنون تدریس) می‌باشد؛ زیرا سبک‌ها و الگوهای تدریس بکار برده در کلاس هستند که باعث پذیرش و انگیزه او توسط دانش‌آموز می‌شود. این شرایط می‌تواند تدریس اثربخش را به همراه خواهد داشت. در عامل اول معلم با واری شرایط فیزیکی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اعم از وسایل کمک آموزشی متناسب با نیاز مواد آموزشی قابل ارائه، شرایط را برای انتقال مطالب مفید بررسی می‌کند و در همان ابتدا ضعف‌ها را در این زمینه برطرف می‌کند. توجه معلم به این شرایط فواید زیادی اعم از تقویت توجه دانش‌آموز، راحت‌تر شدن انتقال محتوا و مسلط شدن به فضای عمومی کلاس درس را به همراه خواهد داشت.

در عامل دوم (مدیریت خود) معلم با آگاهی از ظرفیت‌های خود در سه بخش گفتاری، رفتاری و علمی ضمن تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان آن‌ها را متقاعد می‌کند که او همان شخصی است که می‌تواند به‌عنوان مرجع علمی و الگوی اجتماعی-فرهنگی و از همه مهمتر به عنوان دوست قابل اعتنا پذیرفته شود. در این بعد نخستین مدیریت، شامل ویژگی‌های ظاهری مانند (آراستگی، فن بیان و....) است که معلم برای تداوم این مقبولیت و مدیریت به‌عنوان یک رهبر تلاش می‌کند نخست در نمای بیرونی قابل پذیرش باشد. در ادامه با واگذار کردن خود به فضای کلاس و قطع تعلق از عوامل بیرونی نامرتبط با فرایند تدریس، آموزش را شروع می‌کند.

در عامل سوم (مدیریت افراد) با ورود معلم به کلاس درس ضمن ارزیابی کلی سیمای ظاهری افراد به ارزیابی گزینشی افراد به تشخیص خود می‌پردازد. در این زمینه با پرسش‌های جانبی از وضعیت روحی و روانی افراد مورد هدف اطلاع پیدا کرده و ذهنیت آن‌ها را برای ورود به کلاس درس آماده می‌کند. به نوعی حتی می‌توان گفت ارزشیابی‌های ابتدایی معلم را در ابعاد درسی و فرادرسی از دانش‌آموزان در این ساحت مدیریت کلاس در نظر گرفت؛ اما رسالت اصلی مدیریت افراد در این ساحت، به مسائل کنترلی و انضباطی دانش‌آموزان و ایجاد تعادل میان ایجاد فضایی بانشاط و فعال میان دانش‌آموزان و کنترل آن‌ها برای خارج نشدن افراد از هنجارهای کلاسی و خارج از منطق کلاس برمی‌گردد. معلم با توجه به مهارت‌های کلاس داری خود دانش‌آموزان را از طریق روشهای یادگیری تلفیقی و فعال دانش‌آموزان را ضمن درگیر کردن در فعالیت‌های کلاسی آن‌ها را تحت کنترل قرار می‌دهد.

معلم متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی و فرهنگی، و برآورد اولیه از وضعیت فضا، افراد و خود، سبک‌های مدیریتی را انتخاب می‌کند که بتواند حداکثر تأثیرگذاری، تعامل و بازخورد رفتاری و آموزشی را داشته باشد. با بررسی سبک‌های متفاوت مدیریتی الگوی بوریچ و تمباری از میان سبک‌های مستبدانه، آسان‌گرایانه، آزادمنشانه و اقتدارگرایانه، بهترین سبک مدیریت کلاس درس سبک اقتدارگرایانه معرفی شد؛ و بدترین سبک‌ها، مستبدانه و تاحدودی آسانگیرانه معرفی شد. سپس متناسب با سبک‌های

مدیریتی که انتخاب کرده روش یا روش‌های مناسب برای انتقال و اجرای محتوای علمی به دانش آموزان را انتخاب می‌کند که سازگار با الگوی خاصی باشد. همانگونه که در این مقاله گفته شد از میان دو الگوی تدریس الگوی ارگانستی به دلیل اجازه بروز خلاقیت، تقویت مهارت و اعتماد به نفس به استفاده از روش‌های نوین تدریس مانند حل مسئله، بعدیعه پردازش و... می‌تواند در اثربخشی تدریس به معلم کمک شایانی کند. در نهایت معلم که به شرایط خود، محیط و افراد تسلط داشته باشد می‌تواند با بکارگیری بهترین سبک مدیریت نحوه ارائه از توانایی‌های خود و از بهترین روشها و فنون تدریس بهترین بازخورد را بگیرد. در این مقاله ضمن بهره گیری از سبک‌های مدیریتی بوریچ و تمباری و تلفیق آن با الگوهای تدریس، بین الگوهای تدریس مکانیستی و سبک‌های مدیریتی مستبدانه و آسانگیرانه سازگاری بیشتری وجود دارد. در سوی دیگر بین الگوهای تدریس ارگانستی و سبک‌های مدیریتی اقتدارگرایانه و تا حدودی آزادمنشانه نزدیکی مفهومی و عملیاتی قابل توجهی وجود دارد.

اما آنچه در عمل و در کلاس درس اتفاق می‌افتد کاملاً تحت تاثیر ابعاد مختلف علمی، شخصیتی، اجتماعی و مدیریتی معلم می‌تواند شکل‌های متفاوت و چندگانه‌ای را به خود بگیرد. در نهایت این معلم است که به عنوان مدیر تصمیم می‌گیرد که روشی خاص، تلفیقی یا نوآورانه برای مدیریت تدریس و کلاس درس بکارگیرد تا بهترین اثر را داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که معلمان ضمن مجهز کردن خود به انواع روش‌ها، فنون و الگوها، برای اثربخش بودن تدریس، از به صورت سیال از روش‌های مختلفی متناسب با ظرفیت و نیاز فراگیران استفاده کنند.

منابع

۱. امینی، محمد، حمید، رحیمی، زهرا، غلامیان (۱۳۹۳) بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس بین اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، چاپ دوازدهم، شماره ۱۲
۲. بخشایش، علیزضا (۱۳۹۲)، رابطه سبک مدیریت با ویژگی های شخصیتی معلمان مدارس یزد، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۲
۳. پیری و پورفرهادی (۱۳۹۷) رابطه سبک تفکر و سبک‌های تدریس با مدیریت کلاس، نامه آموزش عالی‌فدوره جدید، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۴. جعفری خراسانی، عبدی (۱۳۹۶) الگوی ساختاری رابطه شایستگی خودکارآمدی و مدیریت کلاس، مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره اول.
۵. رحمانی (۱۳۹۲)، تمایز دانش آموزان منضبط و غیر منضبط بر اساس ذهن خوانی و هوش هیجانی، مجله علمی-پژوهشی معلم فکور دوره اول چاپ دوم.
۶. سانتراک، جان دلبیو (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، ترجمه شاهده، سعیدی، مهشید، عراقچی، رسا، چاپ اول.
۷. سبحانی نژاد (۱۳۹۰)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر یسطرون، چاپ اول
۸. سیف، ولی الله (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، پیامور، چاپ سوم.
۹. شعبانی، حسن، (۱۳۷۲)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی روشها و فنون، سمت، تهران، چاپ اول.
۱۰. قراملکی، احد فرامرزی (۱۳۹۶) اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، نشر مهدوی، چاپ اول
۱۱. قنبری، یاسینس (۱۳۹۶) بررسی تاثیر جو سازمانی و اخلاق کاری، فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم، سال دوم، شماره پنجم.
۱۲. علاقبند، علی (۱۳۷۸) اصول مدیریت آموزشی، تهران، پیام نور، چاپ اول.
۱۳. کمالپورخوب، ناصر (۱۳۹۹). تربیت شهروندی. تربیت شهروند مطلوب، معلم و نظام رسمی، تهران، نشر فرهنگ، چاپ اول.
۱۴. کمالپورخوب، ناصر، هاشمی، سید ضیا و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹). تحلیل جامع‌شناسی اولویت‌های تربیت شهروند مطلوب در اسناد رسمی و واقعیت اجتماعی مدرسه. جامعه شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱۳، ۱۷۹-۱۶۹.
۱۵. کمالپورخوب، ناصر، هاشمی، سید ضیا و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش آموز به مثابه شهروند مطلوب
۱۶. در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران) مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند چشم انداز ۲۰ ساله (فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۷۳، ۸۰-۵۹.
۱۷. مهدی نژاد، ولی (۱۳۸۹) دیدگاه دبیران دوره متوسطه درخصوص بی انضباطی کلاسی دانش آموزان و راهکارهای بهبود مدیریت کلاسی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیستم، شماره ۳.
۱۸. مصرآبادی، جواد (۱۳۹۳) سبک‌های تدریس معلمان بر میزان بی انضباطی های دانش آموزان، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت نوآوری، سال ششم.

19. Baumrind.d(1991)parenting styes and adoles cont development.inj.iroooks gunnr.r.lerner&A.C.

Conceptual model of effective classroom management and teaching

Abstract

This paper is a descriptive-library study that explores classroom management styles and their relevance to teaching patterns. Its purpose is to identify different management styles and select the best teaching style by teachers to present content and apply discipline in the classroom, to be able to select the appropriate management style in three areas, identify the positive and negative factors affecting the classroom atmosphere and Extraclass agents manage actions. The required information was collected through taking notes and taking notes, in which research related to classroom management and the theoretical foundations of thinkers and fields of educational sciences have been used. Results: First, the dimensions related to classroom management in the three areas of individual management(students),space management(school)and self-management and teacher ability were discussed. Then, by conceptualizing and configuring the theoretical foundations of different styles of classroom management(authoritarian, authoritarian, easy-going, liberal) and adapting them to mechanistic and organic teaching patterns, a combined model of them was presented, based on which considering the dimensions. The case study in the teaching method is the most appropriate and effective teaching method of authoritarian style in which, while having grandeur, authority and management, it has the necessary flexibility and interaction in a timely manner.

Keywords: Classroom Management, Effective Teaching, Management Styles, Teaching Patterns